

موارد ناصواب دعا در پرتو آیات قرآن

کارشناس مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی معتقد است با اینکه دعا، شریف‌ترین عمل آدمی توصیف شده و نوعی دعوت الی الله است، اما این گونه نیست که هر دعایی مقبول درگاه حق واقع شود.



کارشناس مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی معتقد است با اینکه دعا، شریف‌ترین عمل آدمی توصیف شده و نوعی دعوت الی الله است، اما این گونه نیست که هر دعایی مقبول درگاه حق واقع شود. سید ابراهیم پیشکار، کارشناس مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی در یادداشتی که در اختیار خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) قرار داده، موارد ناصواب دعا در قرآن را مورد مذاقه و بررسی قرار داده است. مشروح این یادداشت در ادامه می‌آید:

بنا به نص آیه شریفه قرآن «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»، «و کیست خوش‌گفتارتر از آن کس که به‌سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید من {در برابر خدا} از تسلیم‌شدگانم»، (سوره فصلت/آیه ۳۳)، دعا، شریف‌ترین عمل آدمی توصیف شده است. زیرا در حقیقت دعا نیز نوعی دعوت به الی الله است. اما این گونه نیست که هر دعایی مقبول درگاه حق واقع شود.

موارد ناصواب دعا

قرآن موارد ناصواب دعا را یاد آور می‌شود، از جمله دعا برای غیر حق که مفسران آن را عبارت از هر خواسته‌ای که رضای حق در آن نباشد و کمکی به رشد و تعالی آدمی ننماید، می‌دانند: «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ»، «وکیست گمراه‌تر از آن کس که به جای خدا کسی را میخواند که تا روز قیامت او را پاسخ نمی‌دهد و آن‌ها از دعایشان بی‌خبرند»، (سوره احقاف/آیه ۵). در کل گفتنی است که موارد عدم اجابت دعا در قرآن، اندک بوده و به موارد زیر اختصاص دارد:

۱. تقاضای بازگشت به دنیا و انجام دادن کار خیر: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ»، «(آنها در شرک و کفر به سر می‌برند) تا آن گاه که مرگ یکی از آنان فرا رسد (در قبضه فرشتگان به خداوند) گوید: پروردگارا، مرا بازگردانید». (سوره مؤمنون/آیه ۹۹).

۲. دور شدن از عذاب در دوزخ: «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَلِنْ عَذَابًا ظَالِمُونَ»، «پروردگارا ما را از اینجا بیرون آر (و به دنیا بازگردان) پس اگر (دوباره به گمراهی کفر و فسق) بازگشتیم پس حتماً ستمکاریم». (سوره مؤمنون/آیه ۱۰۷).

۳. نجات یافتن فرزند غفلت‌زده و در بی‌راهه: «و نَادَىٰ نُوْحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَ إِنِّ وَعَدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ»، «و نوح (پیش از حادثه طوفان) پروردگار خود را ندا درداد، گفت: پروردگارا، پسر من از خاندان من است و همانا وعده تو (به نجات خاندان من) حق است و تو بهترین داورانی. (این کلام مقدمه درخواست نجات پسر است)». (سوره هود/آیه ۴۵).

۴. مشاهده پروردگار با چشمان سر: «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي وَلَكِنْ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكَا وَحَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ ثَبُتْ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ»، «چون موسی به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، گفت: ای پروردگار من، بنمای، تا در تو نظر کنم گفت: هرگز مرا نخواهی دید به آن کوه بنگر، اگر بر جای خود قرار یافت، تو نیز مرا خواهی دید چون پروردگارش بر کوه تجلی کرد، کوه را خرد کرد و موسی بیهوش بیفتاد چون به هوش آمد گفت: تو منزهی، به تو بازگشتم و من نخستین مؤمنانم». (سوره اعراف/آیه ۱۴۳).

با مطالعه دقیق قرآن در ارتباط با دعا به این نتیجه بسیار مهم می‌رسیم که چگونه دعایی به اجابت و قبول نزدیک شده است. بدین سان، نیایشگران با چند و چون دعا آشنا گشته و به سمت دعای مقبول یا مستجاب حرکت می‌کنند.

لذا در هنگام دعا باید به مراتب معنوی آن و نیتی که داعی در ایراد آن در ذهن و زبان خود می‌پروراند، توجه داشت و لذا پاره‌ای از راهیان بی‌معرفت را خداوند با صفاتی نظیر «جهول و غافل» همچون آیه فوق یاد می‌کند و در این آیه نیز می‌خوانیم: «وَ يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»، «انسان (بر اثر شتابزدگی)، بدی‌ها را طلب می‌کند آن گونه که نیکی‌ها را می‌طلبد و انسان، همیشه عجل‌طلب بوده است».

با عنایت به این موارد، می‌توان مضامین دعا را در قرآن در دو دایره وسیع، تقسیم‌بندی کرد:

۱- دعا در برآوردن حوایج معنوی ۲- دعا جهت برآوردن حوایج مادی.

باید گفت، اکثر دعاهایی که از زبان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به مسلمانان تعلیم داده شده است در حیطه نوع نخستین است و نوع دوم دعاها نیز در حکم مقدماتی برای رسیدن به سعادت جاودانی‌اند که در نوع نخستین نهفته هستند. در قرآن کریم، ۱۱۰ آیه وجود دارد که با کلمه «ربنا و رب» آغاز می‌شوند که در اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها تقاضای حوایج معنوی شده که به فرازهایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) در خواست قبولی طاعات با توجه به اندکی اعمال در قالب دعا از خداوند: «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»، «پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی». (سوره بقره/آیه ۱۲۷).

ب) در خواست در جهت قرار گرفتن در زمره نمازگزاران حقیقی: « رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ»، «پروردگارا مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز پروردگارا و دعای مرا بپذیر»، (سوره ابراهیم/آیه ۴۰).

ج) دعا برای والدین، استادان و دیگر مومنین: «وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»، «کسانی که بعد از آنها {بعد از مهاجران و انصار} آمدند و می‌گویند: «پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده! پروردگارا، تو مهربان و رحیمی»، (سوره حشر/آیه ۱۰) و در اینجا راز لطیفی که وجود دارد، آن که: «ربی» برای شروع دعا به کار نرفته و با ضمیر متکلم مع الغیر (نا) باید خدا را خواند و دلیل آن شاید تأکید بر دعا درباره همه مؤمنان باشد، و بهتر آن که ابتدا صلاح مؤمنان را در نظر آوریم و آنگاه به حوایج شخصی خویش پردازیم.